

دوم اسد

بهترین **هشتاد کس** را سرربود
از کفش تا با ده ای کوثر ربود
ساغر گلگون ما صرصرربود
رنج سا لها از کفش گوهرربود
روشنی خواهان روشنگرربود
گرچه دشمن از کفش تیر ربود
نور چشم خوار و برادر ربود
گرچه سردارهای سرور ربود
زان شرارخشم کزین محضربود
گر هزار قطره ای احمر ربور
گزرکف شمشیرز سر مغضربود
گزرهاست گرچه او خنجرربود
چلچراغ ها گرچه آن نرربود
زین یکی بیش از آن اثر ربود
صدچوسهراب گردش اخترربود
ارچه لعل شبچراغ از برربود
خون نوستاک ما هدر ربود
فته ای اینان گل و عنبرربود
با یاد آموخت از عد و بیشتر ربود
تا زکام ما شهد و شکرربود
نیست باک ارنور از نظرربود
سرفرازان گرچه از لشکرربود
تیرزن با یاد که از سنگربود
گرچه بیرقدار با فرربود
زهره ای خاین ستمگرربود
باستم کشان بیود، اگرربود
قوت دل قدرت جگرربود
تا که داد از صنف ستمگرربود
تا زید کیشان تاج سرربود
ثقل آن با زور هم دیگربود
عصرشتر و توکل رزم منورربود
تجربه از رخ او معجزربود
خوض **وتد بیرنور** از قمرربود
از کف شان قدرت رهبرربود
کاوه ها ضحاک خاک بسرربود
خدعه و نیرنگ ها مسطرربود
بت پرستی های دون پرورربود
○

گرگ بیداد از صف ما در ربود
ساقی بزم طرب در مانده ش
از می لعل مذا ب گردید تهی
بر صدق توفان استبداد نگر
خدعه و نیرنگ و بیداد و ستم
بی ودان هرگز مباد **بازوی رنج**
وای از آغوش گرم ما دران
بی سری هرگز مباد در صف خلق
در بگیرد قلب دشمن کیش خلق
سیل توفان خیزگر **دداشک رنج**
نیست باک اردشمن در زدو خورد
تیر پشت دشمنان خواهد شکست
پرفروغ باد راه مظلومان خلق
علم نجات شور و مستی ها بهم
جا ودان با **د رستمان پیل تن**
گنج خلق با د پرغنا و پر گهر
بهر بهتر یا فتن **راه نجات**
در صف خود دشمنان باید شناخت
علم نجات از الف تا یا خواند
کام بیداد گرتلخ با دا چوما
باید آموخت **شیوه ای رزم و ستیز**
در **رنبرد**، ستمکشان آگه شوند
تیرا گرچه می خلد در سینه لیک
رایت آزادگی ها با د بلند
لشکر ایثار صف ستمکش است
دست بدست در صف پیکار و نبرد
الله و اکبر گویان خبیث
جمله ستمکش بی صف یک قطار
تکیه گاه همدگر ستمکشان
جنگ طولانی نگریکروزه نیست
جنگ رها بست اصولش یاد گیر
از **حدیث شیخ** مجموع **علم نجات**
خدعه ای بیگانه **کثیف پرور** است
دشمنان موج سوار، نگون نمود
خط قرمز بین خود با یاد کشید
خط دشمن ستمکش روشن است
زیر پا با یاد نمود **بت واره** ها

www.goftaman.com

2016/7/26